



تأثیر علمای شیعه در گسترش علوم و معارف اسلامی

علمای بزرگ شیعه با درک عمیق از شرایط زمان و مکان، نقش‌های متفاوتی را در گسترش فرهنگ اسلامی ایفا کردند.

علمای بزرگ شیعه با درک عمیق از شرایط زمان و مکان، نقش‌های متفاوتی را در گسترش فرهنگ اسلامی ایفا کردند. دورانی که هویت تشیع در خطر بود، بزرگانی چون شیخ مفید و سید مرتضی در مکتب بغداد، با رویکردی عقلانی و نظام مند، به صیانت و تدوین اصول فکری این مکتب پرداختند و آن را در برابر امواج فکری معارض بیمه کردند. علمدار حدیثی پرمغز از پیامبر اکرم(ص) آمده است: «علمای امت من، برتر از انبیای بنی اسرائیل اند.» این حدیث، صرفاً یک تمجید نیست، بلکه تبیین یک مسئولیت و جایگاه خطیر است. عالمان دین، در نگاه اسلام، نه فقط بازگوکنندگان احکام که «وارثان انبیاء» هستند، کسانی که وظیفه تبیین، حفظ و گسترش پیام وحی را در هر عصری بر عهده دارند. تاریخ اسلام و به ویژه تاریخ تشیع، تاریخ مجاهدت‌های علمی و فرهنگی این مرزبانان حکمت است که در طوفان حوادث، چراغ معرفت را فروزان نگاه داشتند. در همین خصوص رضا ملازاده یامچی، پژوهشگر دینی، یادداشتی در اختیار ایکنای خراسان رضوی قرار داده است که در ادامه می‌خوانیم؛

نقش این بزرگان گاهی به یک بعد (مانند فقه یا حدیث) تقلیل داده می‌شود و از تأثیر تمدن ساز و چندوجهی آنان غفلت می‌شود. این مقاله در پی آن است تا با تمرکز بر چند چهره شاخص از دوره‌های مختلف، به این پرسش بنیادین پاسخ دهد: علمای بزرگ شیعه، با توجه به نیازها و چالش‌های زمانه خویش، چگونه و با چه روش‌هایی توانستند در نقش‌های گوناگون، از معماران نظام مند معرفتی تا مروجان فرهنگ عمومی، به حفظ، گسترش و تعمیق فرهنگ و علوم اسلامی در جوامع مختلف یاری رسانند؟

رسالت علمای شیعه که خود را ادامه مسیر علمی ائمه اطهار(ع) می‌دانستند، در طول تاریخ و متناسب با شرایط، چهره‌های گوناگونی به خود گرفته است. برای درک این نقش چند وجهی، سه نمونه برجسته از دو مکتب مهم تاریخی را بررسی می‌کنیم.

۱. ریشه‌های قرآنی و روایی

قرآن کریم، «علم» را معیار برتری و شرط اساسی خشیت الهی می‌داند: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ...» (فاطر، ۲۸)؛ «همانا از میان بندگان خدا، تنها دانشمندان از او می‌ترسند.» این آیه، علم را به بینشی عمیق پیوند می‌زند که به درک عظمت پروردگار و مسئولیت در برابر او می‌انجامد. همچنین، روایات متعددی چون «طَلَبُ الْعِلْمِ قَرِيبَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ، جَامِعُهُ رَأْسُ سَوِيٍّ» (سوی دانش اندوزی سوق می‌دهد و در چنین جامعه‌ای، عالمان چراغ‌های راهنما هستند. وظیفه علما که در دوران غیبت امام معصوم(عج) سنگین تر می‌شود، صرفاً نقل روایات نیست، بلکه «اجتهاد» و استنباط احکام و معارف دین برای پاسخگویی به نیازهای نوپدید است.

۲. معماران نظام فکری شیعه (شیخ مفید و سید مرتضی)

در قرن چهارم و پنجم هجری، بغداد کانون تمدن اسلامی و محل برخورد آراء و مذاهب گوناگون بود. در چنین فضایی، مکتب تشیع برای بقا و رشد، نیازمند یک چارچوب فکری منسجم، عقلانی و مدون بود. این مأموریت تاریخی را بزرگانی چون شیخ مفید و شاگردش، سید مرتضی علم الهدی به انجام رساندند.

شیخ مفید (م. ۴۱۳ ق)؛ او را باید «بنیان‌گذار کلام عقلانی شیعه» دانست. شیخ مفید در عصری که اخباری‌گری (تکیه صرف بر ظاهر روایات) در حال گسترش بود، با شجاعت از جایگاه «عقل» در کنار قرآن و سنت دفاع کرد. او با تألیف آثاری چون «أوائل المقالات»، مرزهای دقیق اعتقادی شیعه را در برابر سایر فرقه‌ها مشخص کرد و با برگزاری جلسات مناظره، به دفاع عقلانی از این مکتب پرداخت. او به تشیع، یک «زبان استدلالی» بخشید.

سید مرتضی علم الهدی (م. ۴۳۶ ق)؛ او که پس از استادش ریاست علمی شیعیان را بر عهده گرفت، یک شخصیت جامع الاطراف و یکی از بزرگترین نوایغ تاریخ اسلام بود. سید مرتضی با تألیف کتاب گران سنگ «الذريعة إلى أصول الشريعة»، مبانی علم «اصول فقه» را در مذهب شیعه به اوج کمال و پختگی رساند. این علم، در واقع «منطق استنباط» از متون دینی است و به فقیه اجازه می‌دهد تا به روشی نظام مند و ضابطه مند به استخراج احکام بپردازد. سیدمرتضی، با این کار، تشیع را به یک «نظام حقوقی و معرفتی» منسجم و پاسخگو مجهز کرد.

نقش این دو بزرگوار، نقش «معماران» بود. آن‌ها میراث عظیم و پراکنده روایی برجای مانده از ائمه (ع) را در یک ساختار منسجم و عقلانی قرار دادند و هویت علمی مستقلی برای مکتب اهل بیت (ع) تثبیت کردند.

۳. مکتب اصفهان: مروج و حافظ فرهنگ شیعی

حدود هفت قرن بعد در دوران صفویه، شرایط کاملاً متفاوت بود. تشیع به مذهب رسمی ایران بدل شده بود و چالش اصلی، دیگر نه مناظرات علمی با سایر فرق که «آموزش عمومی» و ترویج فرهنگ شیعی در میان توده مردم بود. در اینجا است که شخصیت بی نظیر علامه محمدباقر مجلسی (م. ۱۱۱۰ ق) ظهور می کند.

علامه مجلسی: اگر مفید و مرتضی، معماران بنای فکری تشیع بودند، علامه مجلسی «معمار فرهنگ عمومی» آن بود. او با درک نیاز زمانه، یک پروژه تمدنی عظیم را آغاز کرد: گردآوری، تدوین و ترویج تمام میراث روایی اهل بیت (ع) برای استفاده علما و عموم مردم.

بحارالأنوار؛ دائرةالمعارف تشیع: شاهکار او، کتاب عظیم «بحارالأنوار»، نه فقط یک مجموعه حدیثی که یک «دائرةالمعارف جامع فرهنگ شیعی» است. وی در این کتاب، روایات مربوط به هر موضوعی (از توحید و معاد گرفته تا تاریخ انبیاء، اخلاق، آداب اجتماعی و طب) را در کنار هم گرد آورد. هدف وی «حفظ و صیانت» از این میراث عظیم در برابر خطر فراموشی و نابودی بود.

علامه مجلسی علاوه بر این، با نگارش کتب متعدد به زبان فارسی روان (مانند «حیة القلوب» و «حق الیقین»)، معارف عمیق دینی را از انحصار زبان عربی و خواص خارج کرد و به میان توده مردم آورد. این اقدام، نقشی بی بدیل در تعمیق فرهنگ شیعی در جامعه ایران و سایر مناطق فارسی زبان داشت.

پاسخ به شبهات: اخباری گری یا حکمت اندوزی؟ برخی منتقدان، علامه مجلسی را به اخباری گری و جمع آوری بی رویه حدیث متهم می کنند. این یک نگاه ناقص است. اولاً، هدف اصلی او در بحارالأنوار، «جمع و حفظ» میراث بود تا از نابودی آن جلوگیری کند و خود بارها به لزوم بررسی و نقد احادیث اشاره کرده است. ثانیاً وی یک فقیه و حکیم برجسته نیز بود و نقش او را نباید به گردآوری حدیث تقلیل داد. در واقع، او با درک هوشمندانه از نیاز زمان خود، رسالتی متفاوت از شیخ مفید را بر عهده گرفت: رسالت «ترویج و عمومی سازی» فرهنگ دینی برای یک ملت.

در پاسخ به پرسش اصلی، باید گفت علمای بزرگ شیعه با درک عمیق از شرایط زمان و مکان، نقش های متفاوتی را در گسترش فرهنگ اسلامی ایفا کردند. در دورانی که هویت تشیع در خطر بود، بزرگانی چون شیخ مفید و سید مرتضی در مکتب بغداد، با رویکردی عقلانی و نظام مند، به صیانت و تدوین اصول فکری این مکتب پرداختند و آن را در برابر امواج فکری معارض بیمه کردند. قرن ها بعد، در دورانی که نیاز به آموزش عمومی و تعمیق باورهای مردمی بود، شخصیتی چون علامه مجلسی در مکتب اصفهان، با همتی بی نظیر به «جمع آوری و ترویج گسترده این فرهنگ در میان عموم جامعه همت گماشت.

این دو رویکرد در ظاهر متفاوت، اما در هدف، یکسان بودند: حفظ و گسترش پیام قرآن و اهل بیت (ع). این میراث گران بها به ما می آموزد که دینداری حقیقی، نیازمند بصیرت و درک نیازهای زمانه است. علمای راستین، کسانی هستند که چون طبیبانی حاذق، نبض جامعه خود را در دست دارند و متناسب با درد، بهترین درمان را تجویز می کنند. این سنت پرافتخار، امروز نیز بر دوش عالمان متعهد قرار دارد تا با الهام از این بزرگان، پاسخگوی چالش های فکری و فرهنگی جهان معاصر باشند.

منابع:

۱. قرآن کریم: به عنوان منبع اصلی برای درک جایگاه علم و علما (مانند سوره فاطر، آیه ۲۸ و سوره زمر، آیه ۹).

۲. نهج البلاغه و اصول کافی: برای مطالعه روایات مربوط به فضیلت علم، جایگاه علما و وظایف آنان در عصر غیبت.

۳. آثار کلیدی علمای مذکور:

شیخ مفید: کتاب های أوائل المقالات فی المذاهب و المختارات و الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد.

سیدمرتضی علم الهدی: کتاب های الذریعة إلی أصول الشریعة و أمالی المرتضی.

علامه محمدباقر مجلسی: دائرةالمعارف عظیم بحارالأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار و کتب فارسی ایشان مانند حیاة القلوب.

۴. کتب تاریخی و رجال:
آثاری که به شرح زندگی و اندیشه های علمای شیعه پرداخته اند، مانند روضات الجنات خوانساری.

۵. آثار پژوهشگران معاصر:
برای مطالعه تحلیلی، آثار مورخان و پژوهشگران متخصص در تاریخ تشیع و مکاتب فکری آن (مانند آثار رسول جعفریان و پژوهشگران غربی چون ویلفرد مادلونگ و ایتان کولبرگ) مفید خواهد بود.
ایکنا